دیگر شمر نمی‌شوم!

دیدار با محمد فیلی، بازیگر پیشکسوت که دوران نقاهت پس از عمل جراحی مغز را می گذراند

گفت‌وگو
پروانه بهرام‌نژاد
روزنامه‌نگار

از معدود بازیگرانی است که در ۳دهه بازیگری، توانسته در ژانرهای متفاوت با نقش‌های جدی، کمدی و مثبت و منفی بر پرده سینما و قاب تلویزیون ظاهر شود؛ از نقش «بسیم» در مجموعه تلویزیونی روزی روزگاری تا «شمر» سریال مختارنامه و «حکیم» سریال گیلدخت. هر چند که محمد فیلی دوست ندارد نقش شمر بر پیشانی‌اش بماند و دلش می‌خواهد مردم او را با نقش‌های مثبت به یاد بیاورند، اما این نقش، یکی از نقش‌های ماندگارش محسوب می‌شود. به بهانه گمانه‌زنی‌ها برای حضورش در سریال «سلمان فارسی» با این پیشکسوت سینما و تلویزیون که این روزها دوره نقاهت پس از عمل جراحی مغز را در خانه می گذراند، درباره مجموعه‌ها و فعالیت‌های اخیرش هم‌کلام شدیم.

اخیرا در روزهایی که سریال گیلدخت از شبکه یک سیما پخش می‌شد، ۲عمل جراحی سنگین را پشت‌سر گذاشتید و بسیاری از مردم و مخاطبان این سریال پیگیر وضع سلامتی بازیگر نقش حکیم این سریال بودند. الان حال عمومی‌تان چطور است؟

خدا را شکر حالم بهتر است. فقط کمی سرگیجه دارم که به‌دلیل مصرف ۱۷قرص فشار و قلب و... در شبانه‌روز است. البته دکترها گفته‌اند به مرور قرص‌ها را کم می‌کنند. هر چند به قول شیرازی‌ها در این سن و سال با همه صدمات جسمی که در این سال‌ها خوردم، «قوری گنگویی» یا همان قوری بند زده شده‌ام (می‌خندد.)

سوای استراحت دوره نقاهت، بقیه ساعت‌های روز را چطور می‌گذرانید؟

اغلب خانه‌ام و یکی از دوستانم یک فلش پر از فیلم برایم آورده که به لطف این استراحت اجباری فیلم می‌بینم و گاهی هم کتاب می‌خوانم. اما چون تأثیر قرص‌هایم زیاد است خیلی وقت‌ها وسط تماشای فیلم یا کتاب خواندن خوابم می‌برد. البته گاهی برای انجام کارهای اداری بیمه تکمیلی درمانم ناچارم بیرون بروم. البته چون پشت سرم را تراشیده‌اند و شکل بدی پیدا کرده، کلاه سرم می‌گذارم.

امیدواریم زودتر بهبود کامل را به‌دست بیاورید. اگر موافق هستید برویم به دهه ۷۰ و نخستین سریالی که برای تلویزیون بازی کردید و با ایفای نقش بسیم در روزی روزگاری بر سر زبان‌ها افتادید. حضورتان در آن فیلم چطور رقم خورد؟

در سال‌های جنگ در یک فیلم سینمایی به نام «گشتی‌ها» نقش یک افسر عراقی را بازی می‌کردم. این فیلم در سینماهای تهران اکران شد و آن زمان آقای امرالله احمدجو که فیلم را دید و از بازی من خوشش آمد و دعوت کرد به تهران بیایم و در سریال روزی روزگاری بازی کنم.

جزو بازیگران پرکار تلویزیون هستید و از سال ۷۰تاکنون در سریال‌ها حضور پررنگی داشته‌اید. کدام بازی‌تان را بیشتر از بقیه دوست دارید؟

بیشتر نقش‌هایم را دوست داشتم که بازی کردم؛ مثل همین نقش بسیم، نقش شمر و حتی نقش آسانی که در سریال «چاردیواری» داشتم. اما بعضی نقش‌ها را چندان دوست نداشتم و به‌خاطر تامین معیشت خانواده قبول کردم؛ حالا این میان اگر نقشی را دوست نداشته باشی و تهیه‌کننده پولت را ندهد، دیگر خیلی ناراحت‌کننده‌تر است.

مثل اینکه از همکاری با برخی تهیه‌کننده‌ها تجربه خوبی ندارید؟

بله همین اواخر ۲ماه خانواده را رها کرده و به شیراز رفتم تا در سریالی بازی کنم. کار که تمام شد تهیه‌کننده پولمان را نداد. این موضوع باعث فشار و صدمه جسمی و روحی به من شد.

این روزها مشغول بازی در فیلم و سریالی هستید؟

جدیدترین کاری که پخش شده، سریال گیلدخت است. این سریال برخلاف سریال‌های سطحی در سال‌های اخیر که برای تلویزیون ساخته می‌شود کار خوب و استخوان‌داری بود و باعث شد مردم پای تلویزیون بنشینند.

منظورتان این است که در سال‌های اخیر کارهای خوب کمتر در تلویزیون ساخته شده است؟ دلیلش را چه می‌دانید؟

بله چون تلویزیون در گذشته برای ساخت سریال سرمایه‌گذاری می‌کرد اما حالا کارگردان‌ها برای ساخت کارهایشان باید دنبال سرمایه‌گذار باشند. الان هم متن‌های خوبی نوشته شده ولی چون اسپانسر نیست ساخته نمی‌شود و خاک می‌خورند.

بیشتر دوست دارید در نقش منفی بازی کنید یا مثبت؟

برای من نقش مثبت و منفی فرق ندارد. اگر کار، کارگردان، متن، دکوپاژ و... خوب باشد بازی می‌کنم و لذت می‌برم.

پیش آمده که نقشی را آنطور که باید بازی نکرده باشید یا کارتان برخلاف انتظار دیده نشده باشد؟

بله در سریال «مولانا» نقش سلطان محمد خوارزمشاه را داشتم که فکر می‌کردم کاری است که خیلی دیده و ماندگار شود، اما برخلاف انتظارم از یک جایی کارگردان و نویسنده عوض شدند و اتفاقاتی افتاد که کار آنطور که باید پیش نرفت و متوسط از آب درآمد.

گفتید به‌خاطر بازی در این سال‌ها، اصطلاحا قوری بندزده شده‌اید؛ برای ایفای کدام نقش‌هایتان مصدوم شدید؟

بیشترین آسیبی که به من وارد شد مربوط به سریال روزی روزگاری بود. چون سوارکاری بلد نبودم قرار شد یک مربی سوارکاری یادمان بدهد، ولی حین آموزش همان روز اول زمین خوردم و دنده‌هایم شکست. این را در پرانتز بگویم که بعدا فهمیدیم که طرف نعل‌بند بوده و خودش را مربی جا زده است. خلاصه اینکه آن روز دنده‌هایم شکست و در ریه‌هایم فرو رفت. دکترها گفتند ۲۱روز باید بماند تا خوب شود، من هم با وجود درد کشنده‌ای که داشتم، نگران بودم نقشم را از دست بدهم. اما فردای آن روز بچه‌های گروه من را سوار یک وانت کردند و پیش یک پیرمرد روستایی بردند که دنده‌هایم را جا انداخت و مرهم مالید و ۳روز بعد حالم خوب شد و برگشتم سر کار و این بار با یک مربی واقعی تمرین اسب‌سواری کردم.

یکی از تأثیرگذارترین نقش‌هایی که ایفا کردید که نقش شمر در سریال مختارنامه است. چه شد که این نقش را پذیرفتید؟

باخبر شده بودم که آقای میرباقری برای سریالشان بازیگر انتخاب می‌کنند و خیلی دلم می‌خواست من هم در آن کار بازی کنم. روزی که تماس گرفتند و به دفترشان رفتم همین که وارد شدم گفت «شمر من هم آمد....» از این حرف تعجب کردم و با خودم گفتم «یعنی من اینقدر آدم بدی هستم؟....» خلاصه وقتی گفت قرار است نقش شمر را بازی کنم اول ناراحت شدم. گفتم «من آنقدرها هم خشن نیستم؛ چطور تصور کردید که می‌توانم شمر شوم؟» اما آقای میرباقری اصرار کرد و گفت: «تو باید این نقش را بازی کنی وگرنه حذفش می‌کنم.» من هم با اکراه پذیرفتم. البته آن اوایل بازی کردن در این نقش برایم خیلی سخت بود اما بعد تصمیم گرفتم تا جایی که امکان دارد در نقشم فرو بروم و خوب بازی کنم و ماحصلش شد آنچه دیدید.

چه بازخوردهایی از آن نقش گرفتید؟

اوایل که سریال پخش می‌شد خیلی فحش می‌شنیدم، حتی یک‌بار کتک خوردم. چون مردم عاشق اباعبدالله(ع) هستند و برایشان فرق نمی‌کرد که شمر واقعی یا نمایشی هستم. ولی الان که سال‌ها گذشته رفتار مردم خیلی متفاوت شده. خدا شاهد است هر جا می‌روم و مردم مرا می‌شناسند، بسیار مورد احترام قرار می‌گیرم. چون الان مردم دیگر به من منفی نگاه نمی‌کنند؛ اینطور نگاه می‌کنند که یک بازیگر است که توانسته از پس نقش‌اش به خوبی بربیاید.

اگر قرار باشد دوباره نقش شمر را بازی کنید، می‌پذیرید؟

نه به هیچ وجه. چون مطمئنم اگر بخواهم نقش شمر را دوباره بازی کنم کارهایی ممکن است انجام دهم یا جوری بازی کنم که کار اول هم خراب شود و تصویر ذهنی مردم از نقش شمری که در مختارنامه بازی کردم از بین برود. نقش منفی شبیه شمر بازی می‌کنم اما دیگر شمر نمی‌شوم، چون می‌خواهم در آن نقشم محفوظ بمانم.

از احترام مردم یاد کردید؛ به زعم خودتان بعد از کدام بازی مردم شما را در کوچه و خیابان شناختند و بازخورد گرفتید؟

فکر می‌کردم بعد از روزی روزگاری من را بشناسند اما به سختی شناخته شدم و هر جا می‌رفتم باید معرفی می‌شدم که فلانی هست و فلان جا بازی کرده اما وقتی نقش شمر را بازی کردم همه جا شناخته شدم. هنوز هم گاهی جایی وارد می‌شوم و به شوخی می‌گویند «شمر آمد!» من هم در جواب می‌گویم «شمر باباته!» (با خنده)

در این سال‌ها نقش‌های متفاوت و متنوعی بازی کردید. نقشی مانده که دلتان بخواهد ایفا کنید؟

الان نه، ولی وقتی جوان بودم دوست داشتم ۲تا نقش را بازی کنم ولی هیچ وقت پیش نیامد. یکی نقش «کریم‌خان زند» و دیگری نقش «نادرشاه» بود. به اعتقاد من این دو نفر در تاریخ ایران خیلی مؤثر بودند و خدمات بزرگی ایفا کردند اما مهجور واقع شدند و هیچ وقت آنطور که باید معرفی نشدند. راستش حالا که با نقش شمر در ذهن مردم ماندگار شده‌ام، دلم نمی‌خواهد این نقش روی پیشانی‌ام بماند. دوست دارم مردم من را با یک نقش مثبت به یاد بیاورند.

متولد:
۱۳۲۹ شیراز

ویژگی: بازیگر سینما و تلویزیون از سال ۱۳۶۵تاکنون، نقش‌آفرینی در فیلم‌های «منطقه پرواز ممنوع»، «خروج»، «شام عاشقانه سه نفره»، «مالیخولیا»، «راز خانه بهجت»، «ابابیل»، «پایان خدمت» و.... بازی در مجموعه‌های تلویزیونی «گیلدخت»، «نارگل»، «بانوی سردار»، «دنگ و فنگ روزگار»، «بانوی عمارت»، «گسل»، «هاتف»، «روزی روزگاری»، «مختارنامه»، «تفنگ سرپر» و.... حضور در سریال‌های شبکه خانگی «جادوگر» و «موچین».

عکس: همشهری/ امیر ادهم

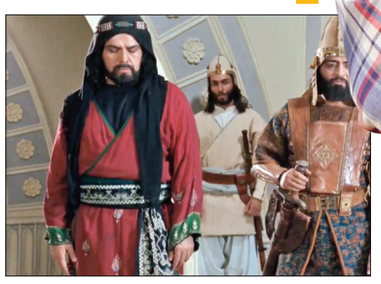

شمر را آوردیم!

محمد فیلی از بازخورد نقش شمر خاطرات بسیاری دارد که یکی از شیرین‌ترین‌ها را برایمان تعریف می‌کند: «بعد از پخش سریال مختارنامه برای بازی در سریال «هاتف» به کربلا رفتیم. یادم هست روز اول تا دهم محرم یعنی شلوغ‌ترین روزها در کربلا فیلمبرداری داشتیم. وسط این شلوغی به‌خاطر ضبط برنامه باید جاهایی می‌رفتیم، اما عراقی‌ها اجازه نمی‌دادند و می‌گفتند باید مجوز بیاورید. بچه‌های گروه هم مرا همراهشان می‌بردند و می‌گفتند «شمر را آوردیم». چون آن زمان مختار در عراق پخش می‌شد و عراقی‌ها من را می‌شناختند، اجازه می‌دادند که وارد شویم و....» فیلی با یادآوری آن روزها لبخند زده و خاطره دیگری تعریف می‌کند: «یک اتفاق جالب برایم افتاد. برای زیارت وارد صحن حضرت ابوالفضل(ع) شده بودم اما دیدم به قدری جمعیت زیاد است که اصلا نمی‌شود داخل شد. به زبان لری خطاب به حضرت گفتم «ما رو تا اینجا کشوندی ولی آنقدر دور؟» باورتان نمی‌شود در چشم به هم زدنی نمی‌دانم چطور دستم به ضریح آقا رسید. این موضوع برایم خیلی غیرقابل باور بود.»

از نقشم در «سلمان فارسی» بی‌اطلاعم

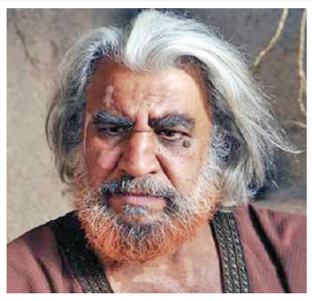

شنیده‌ها حکایت از این دارد که محمد فیلی قرار است با بازی در مجموعه تلویزیونی سلمان فارسی جلوی دوربین داوود میرباقری برود. از این بازیگر درباره نقشی که قرار است ایفا کند، می‌پرسیم که می‌گوید: «اطلاعی ندارم. هنوز با من درباره این نقش صحبت نشده است و فقط اسمم را در اینترنت جزو لیست بازیگران این سریال دیده‌ام.» او با بیان اینکه این سریال تاریخی کار بسیار بزرگی است که به سادگی نمی‌توان به آن پرداخت، ادامه می‌دهد: «تا جایی که خبر دارم الان بخش ایرانی سریال را می‌سازند و دارند کاخ‌ها را آماده می‌کنند. حضور و بازی در این مجموعه افتخار بزرگی است که امیدوارم به‌زودی نصیبم شود.»

اتفاقی فهمیدم تومور دارم

این بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون اردیبهشت‌ماه امسال به‌دلیل تومور مغزی عمل جراحی شده اما یک ماجرای ساده و اتفاق باعث شد پزشکان متوجه وجود تومور در مغز او شوند. فیلی از این ماجرا که خوشبختانه ختم به خیر شد، اینطور یاد می‌کند: «برای ضبط یک برنامه مستند به ماهشهر رفته بودیم. در نخلستان دنبال یک لوکیشن زیبا می‌گشتم که پایم در باتلاق گیر کرد و سر تا پایم پر از لجن شد. به پیشنهاد گروه به یکی از کارخانه‌های پتروشیمی اطراف رفتم تا پایم را بشویم اما همین که از ماشین پیاده شدم، سرم به کولر گازی که روی دیوار بود خورد و شکست. وقتی به تهران برگشتیم به اصرار دوستان به بیمارستان رفتم تا عکس بگیرم. همانجا پزشکان متوجه شدند که مشکل قلبی و تومور مغزی دارم. البته خوشبختانه خوش‌خیم بود و با جراحی رفع شد. رگ‌های قلبم را هم آنژیو کردند. بعدها متوجه شدم که دکترها گفته بودند ممکن است از اتاق عمل سالم بیرون نیایم و برای همیشه معلول شوم. اما به لطف خدا و دعای مردمی که به ملاقاتم آمده بودند، صحیح و سالم بیرون آمدم.»

مکتب حسین

۱۰ راهکار برای جذب کودکان به محافل محرمی

من غم مهر حسین با شیراز مادر گرفتم

حضور در محافل و هیئت‌های مذهبی فرصت خوبی برای آشنایی کودکان با معارف و آموزه‌های دینی است؛ چراکه آنها به‌دلیل فطرت پاکی که دارند راحت‌تر تحت تأثیر محیط اطراف خود قرار می‌گیرند. با این حال حضور در آنجا در صورت توجه نکردن به مواردی، ممکن است برای فرزندتان خسته‌کننده باشد و حتی دلزدگی به همراه بیاورد. برای اینکه کودکان هنگام حضور در هیئت‌ها و مراسم مذهبی خسته نشوند و بتوانند با محیط انس بگیرند بهتر است این چند راهکار ساده رعایت شود تا آنها در ماه محرم با حسین زیستن و از حسین آموختن و مهربانی و همدلی را زیر پرچم و لوای اهل‌بیت(ع) بیاموزند.

۱ چند سالی است که در برخی هیئت‌ها، محلی را برای بازی و نگهداری کودکان اختصاص می‌دهند اما هنوز هم هستند هیئت‌هایی که جای اختصاصی برای کودکان ندارند و بچه‌ها در تمام زمان برگزاری هیئت باید کنار والدین خود بمانند و همین موضوع باعث خستگی آنها می‌شود و والدین را مجبور می‌کنند تا هیئت را نیمه کاره رها کنند و به منزل بازگردند. بنابراین اگر فرزند خردسال دارید که درکی از شرایط هیئت و عزاداری ماه محرم ندارد بهتر است هیئتی را انتخاب کنید که نزدیک به منزل‌تان باشد.

۲ تهیه کردن وسایلی مانند شال عزا، لباس مشکی و کتاب‌های داستانی مرتبط با ماه محرم و زندگی اهل‌بیت(ع) می‌تواند راهکار خوبی برای آشنایی کودکان باشد. در مراسم خانگی یا هیئت‌های کوچک برای مشارکت دادن کودکان بهتر است که کارهایی از قبیل پخش کردن کتاب دعا، تعارف دستمال کاغذی، خرما و قند یا نذری‌های ساده را به آنها بسپارید تا هم در امور هیئت مشارکت داشته باشند و هم نیکی کردن به دیگران را در این ماه یاد بگیرند.

۳ بچه‌ها با دیدن گریه کردن والدین خصوصا مادرشان، غصه‌دار می‌شوند، چرا که کودکان به‌ویژه در سنین پایین فرق گریه برای امام‌حسین(ع) و گریه‌های دیگر را درک نمی‌کنند بنابراین بهتر است علت گریه کردن‌تان را برای فرزندتان به‌سادگی توضیح دهید. اگر به احساسات کودک‌تان در مراسم مذهبی توجهی نداشته باشید باعث می‌شوید تا تصویری منفی از مجالس مذهبی در ذهن کودک‌تان شکل بگیرد و نسبت به حضور در آن محافل بی‌توجهی نشان دهند.

۴ اگر در هیئتی که حضور دارید، محلی برای کودکان در نظر گرفته نشده، بهتر است برای نشستن جایی را انتخاب کنید که کودکان دیگر هم حضور دارند تا کودکان با همدیگر بازی کنند و سرگرم شوند. برای اینکه بچه‌ها بتوانند زمان ماندن شما در هیئت را به‌راحتی سپری کنند و حوصله‌شان سر نرود، همراه خودتان وسایلی همچون دفتر نقاشی، کتاب رنگ‌آمیزی و مداد رنگی، عروسک، خمیر بازی و ماشین یا اسباب‌بازی‌های بی‌صدا که مزاحم حاضران در هیئت نمی‌شوند، همراه‌تان ببرید. یادتان باشد کودکان در هر حالتی نیاز به توجه والدین دارند؛ حین برگزاری مراسم از کودک خود غافل نباشید. گاهی با او صحبت و به فرزندتان توجه کنید تا احساس نکند که حضور در روضه مانع توجه شما به او شده است.

۵ کودکان خیلی سریع تحت‌تأثیر احساساتی همچون گرسنگی، تشنگی و خواب‌آلودگی قرار می‌گیرند، هنگام حضور در هیئت حتما مقداری خوراکی سالم همراه خود داشته باشید. بهتر است در خانه میوه پوست بگیرید و با قرار دادن در ظرف مناسب، همراه خود ببرید. مقداری بیسکوئیت، شیرینی، شیشه آب یا شربت و لیوان پلاستیکی هم می‌تواند کمک خوبی برای‌تان باشد تا ناچار نباشید برای تهیه آب و خوراکی مراسم را ترک کنید یا از جای‌تان بلند شوید.

۶ اگر هنگام گوش دادن به سخنرانی یا عزاداری، فرزندتان سؤالاتی را درباره ماجرای شهادت امام حسین(ع) پرسید، بدون اینکه جواب او را به پایان هیئت موکول کنید با زبانی ساده و کودکانه و بدون ذکر جزئیات ماجرا را برایش توضیح دهید. توضیح دادن مهربانی‌های امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) با کودکان و اطرافیان، تعریف کردن داستان‌هایی از کودکی امام‌حسین(ع) و اینکه در نهایت انسان‌های بد ایشان را به شهادت رساندند می‌تواند راهکار خوبی برای آشنایی کودک با این واقعه باشد.

۷ در بیشتر هیئت‌ها رسم بر این است که زمان عزاداری، چراغ‌ها را خاموش می‌کنند. این موضوع ممکن است برای برخی کودکان آزاردهنده باشد و باعث ترس آنها از تاریکی شود. بهترین راه برای مادرانی که فرزندشان از تاریکی می‌ترسد این است که به بیرون هیئت و جایی که چراغ‌ها روشن است بروند یا مسئولان هیئت تدابیری بیندیشند که در قسمت بانوان که حضور بچه‌ها بیشتر است، تعدادی از چراغ‌ها روشن بماند.

۸ برای اینکه زودتر به مراسم عزاداری برسید بهترین راه این است که کودک‌تان را زودتر برای لباس پوشیدن و آماده شدن ترغیب کنید تا مجبور نباشید با عجله یا دعوا کردن او را مجبور به پوشیدن لباس کنید. برخورد تند و تحکم‌آمیز شما در ذهن کودک ثبت و با این کار از رفتن به هیئت دلزده می‌شود. اینکه فرزند شما شاهد این باشد که رفتار شما در این ایام بهتر از زمان‌های دیگر است تأثیر بسیار مثبتی روی او خواهد گذاشت.

۹ اگر کودک‌تان را تازه از پوشک گرفته‌اید، حتما جایی را برای نشستن انتخاب کنید که نزدیک به سرویس بهداشتی باشد تا مجبور نباشید چندین بار برای رفتن به سرویس مسیر طولانی را تردد کنید.

۱۰ استمرار داشتن برای حضور در برنامه‌های مذهبی اهمیت زیادی در رشد شخصیت دینی کودکان دارد و حضور در آنجا نباید به دهه اول محرم یا برخی روزهای خاص محدود شود. در روزهای مختلف سال می‌توانید علاوه بر حضور در هیئت‌ها، برای اقامه نماز در مسجد محل هم حضور پیدا کنید تا فرزندتان با محیط‌های مذهبی بیشتر مانوس شود. البته که متولیان مسجد نیز باید محیط مسجد را برای حضور کودکان آماده کنند تا تصویری دلپذیر در ذهن آنها باقی بماند.